

# جهانی شدن آزادی کشی

[contact@korosherfani.com](mailto:contact@korosherfani.com)

کوروش عرفانی

یک افشاء گری جدید نشان می‌دهد که دولت اسرائیل در اقدامی جدید به سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی خود اجازه داده است که مبارزان فلسطینی را در "کشورهای متحد اسرائیل" نیز ترور کنند. البته ماموران موساد قبلا نیز این کار را در هر کجای جهان که توانسته‌اند انجام داده‌اند. سراسر گورستان پرلاشز در پاریس پر است از قبر فلسطینیانی که در این کشور توسط تروریستهای اعزامی اسرائیل ترور شده‌اند. بر اساس این سنت بود که سایر کشورهای دیکتاتوری و از جمله جمهوری اسلامی تروریستهای خود را برای شکار مخالفانش به سراسر جهان اعزام کردند. اما نکته جدید در تصمیم اسرائیل علنی ساختن این اقدام و رسمیت بخشیدن به آن می‌باشد. همانطور که چندی پیش نیز جرج بوش با امضاء قانونی چنین اجازه‌ای را به سیا داد تا در سراسر جهان آنهایی را که بعنوان "فعالان تروریسم بین الملل" تشخیص می‌دهند از طریق ترور از سر راه بردارند. بدین گونه می‌بینیم که ترور برای آمریکا و اسرائیل به خودی خود بد نیست بلکه زمانی که بر علیه آنها بکار می‌رود بد می‌شود. این منطق جدید که پس از ۱۱ سپتامبر به گونه‌ای غیر قابل تردید و الزامی از جانب دستگاههای تبلیغاتی آمریکا و اسرائیل تبلیغ می‌شود تنها سر آغاز یک فرایند آزادی کشی جهانی است.

## بازارسازی از راه تخریب

با آشکار شدن بحرانهای نوین برخاسته از نظام سرمایه داری و لاعلاج بودن آنها از طریق مکانیزمهای معمول در جوامع صنعتی پیشرفته، آمریکا و متحدانش در صدد آن برآمده‌اند که با روشهایی نوین از تضادهای ساختاری خود بیرون بیایند. از جمله این روشهای نوین بازآفرینی شرایط فعالیت اقتصادی است. بدین معنی که با توجه به اشباع بازارهای قادر به خرید خدمات و تولیدات گران جهان صنعتی اینک سرمایه داری آمریکا با استفاده از توان نظامی خود مناطق مشخص و مناسبی از جهان را شناسایی، آنها را به بهانه‌های واهی مورد حمله قرار داده و سپس با اتکاء بر غارت منابع آن مناطق، با مدیریت خود، ویرانیهای بوجود آورده توسط خویش را بازسازی می‌کند. افغانستان تنها بهانه‌ای بود برای آغاز و تمرین این استراتژی، اما اولین هدف واقعی این استراتژی عراق است، کشوری که دارای دومین ذخایر نفتی جهان است. در جنگ آینده خود نیروی هوایی آمریکا آنچه را که از این کشور نیمه ویرانه به جا مانده است با خاک یکسان کرده و سپس با بهره برداری از نفت آن شرکتهای آمریکایی و اسرائیلی و ترکیه‌ای و ... به بازسازی و نوسازی این کشور خواهند پرداخت. بدین گونه بیکاری در آمریکا کاهش یافته و ماشین سرمایه‌داری بهانه چرخیدن و سود بردن پیدا می‌کند. اما این وجه بیرونی و اقتصادی دارای یک زمینه و بستر داخلی در خود جوامع سرمایه‌داری می‌باشد.

## سلب آزادیهای اجتماعی

در همین راستا فرصتی فراهم شده است که سرمایه‌داری آمریکایی-اروپایی-اسرائیلی بتواند به بهانه مبارزه با تروریسم دست آوردهای سالها مبارزه اجتماعی مردم کشورهای صنعتی را زیر سوال برده و بتدریج آنها را کاهش داده و چه بسا سلبشان کند. با نشان دادن اینکه این اقدامات برای حفظ امنیت شهروندان است آمریکا و اروپا، بطور مثال، در حال برقراری محدودیتهایی هستند که حتی تصور آن قبل از ۱۱ سپتامبر ممکن نبود. سرمایه‌داری آزادیهایی را که مردم در طی سه قرن با نبرد و مبارزه از وی گرفته بودند در عرض چند سال از چنگ طبقات غیر حاکم جامعه بیرون می‌کشد:

= تمامی شهروندان، در قالب قانونهای کلی و مبهم اما بسیار حساب شده در همه زمینه‌ها از جمله در زمینه عقاید و دیدگاهیشان فیش‌بندی می‌شوند.

= هر کس که به هر بهانه‌ای به دست پلیس بیافتد باید حداکثر اطلاعات شخصی و خصوصی خود را به بهانه رسیدگی به خطر احتمال وابستگی به یک جریان تروریستی به مقامات امنیتی و اطلاعاتی بدهد، حتی کد ژنتیک فرد دستگیر شده ضبط و نگهداری خواهد شد.

= توقیف و بازجویی از افراد دیگر تابع اصل بیگناهی فرد تا زمان اثبات خلاف آن نیست، از این پس هر فرد که مورد کمترین کنترل پلیسی قرار گیرد تابع اصل گناهکار بودن است تا بتواند خلاف آنرا به پلیس ثابت کند.

= بسیاری از اقدامات کنترل محتوای ارتباطات فردی و میان فردی که در مخپله شهروندان جوامع دارای دموکراسی هم وجود نداشت امروز در قالب اموری عادی اعمال خواهد شد، کنترل ارتباطات تلفنی، ای-میل، چات، کنترل واژه‌های استفاده شده در مراسلات اینترنتی و زیرنظر گرفتن اتوماتیک میلیونها شهروند از طریق تجزیه و تحلیل اتوماتیک داده‌های جمع‌آوری شده نزد مراکز ارائه اتصال به شبکه جهانی اینترنت.

= تسهیل امکان بازداشت، بازجویی، بازرسی، بازپرسی و اعتراف‌گیری از طریق قانونی کردن بسیاری از اقدامات که تا دو سال پیش غیرقانونی و خلاف حقوق شهروندان بود.

= زیر سوال بردن اعتبار و حیثیت افراد به محض در دسر ساختن برای منطق جدید حاکم به بهانه‌های امنیتی، مثلا به بهانه حمایت معنوی از تروریسم.

خلاصه اینکه از این پس به اسم مبارزه با تروریسم، زندگی شهروندان در تمام جزئیات خود از طریق دوربین‌های مدار بسته، انگشت‌نگاری، قرنیه‌نگاری چشم، تست ژنتیک، امکانات اینترنتی، ضبط، تجزیه و تحلیل اطلاعات ماهواره‌ای و نیز نسل جدید فوق ریزپردازنده‌ها که با نصب آن در هر مکان و بر روی هر وسیله‌ای امکان کسب و ارسال اطلاعات درباره حرکت، محل و مسیر افراد یا خودروها کاملا میسر است. بر این باید اضافه کنیم فن‌آوریهای نوین عکسبرداری و فیلمبرداری ماهواره‌ای را که با بودجه‌های کلان بعد از ۱۱ سپتامبر به سمت ایجاد یک نظام شبیه‌کنترل دوربین‌های مدار بسته اما از نوع ماهواره‌ای و در سطح جهانی به پیش می‌رود.

هر چند که قدری اغراق آمیز جلوه کند باز لازم است به مواردی مانند آنچه در زیر می‌آید نیز اشاره کنیم:

رشد بی‌سابقه تکنیکهای تصویربرداری و موج‌برداری عصبی (نورو رادیوسکوپی) با استفاده از اسکانرهای مجهز به هوش تشخیص شکل و مناطق نوع فکر و انگیزه‌ها در مغز برای متخصصان آزمایشگاههای کشورهای سرمایه‌داری امید دستیابی به تکنیکهای فکرخوانی را افزایش داده‌است. هر چند که بسیاری از این تلاشها در پوشش کشفیات علمی و با اهداف خیرخواهانه درمانی صورت می‌گیرد اما نبود کمترین پایبندی دولتمردان سرمایه‌داری وحشی به ارزشهای اخلاقی از حالا احتمال استفاده از این ابزارها را برای نیات سرکوبگرانه آنها تقویت می‌کند.

هم چنین باید از فن‌آوریهای جدید و خیره‌کننده ارسال اطلاعات در زمان واقعی نام ببریم. از این پس نیروهای امنیتی و انتظامی با مجهز بودن به این وسایل ارسال و دریافت اطلاعات بدون وقفه زمانی، قادر خواهند بود که در مقابل هر گونه ابتکار عمل کسانی که برای نظم اجتماعی "دردسر آفرین" هستند به طریقی پیشگیرانه اقدام کنند. جان کلام اینکه تمامی این تجهیزات، اقدامات و امکانات جدید به دولتهای حاکم بر سرمایه‌داری اجازه می‌دهد که برای برقراری سرکوب همگانی پوشش‌دار و

مشروع جلوه کرده، و در جهت حفظ نظم اجتماعی کهن یا تحمیل یک نظم اجتماعی جدید، نقش داشته باشند. بحرانهای ذاتی سرمایه‌داری کشورهایمانند آمریکا را وارد یک فاز تغییر طلبی بنیادی کرده است، جنبش‌های اجتماعی جدید بواسطه رشد شناخت مبارزاتی قادر خواهند بود که به سرعت و با ابزارهایی نوین عمل کنند و سیستم حاکم را غافلگیر سازند. در همین جهت است که نظام مسلط سرمایه‌داری با پیشدستی تلاش دارد که تحت لوای مبارزه با تروریسم در درجه اول آزادیهای موجود در جوامع صنعتی را محدود کرده و خود را برای مقابله با امکان شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی که اغلب نیز خصلت جهانی دارند آماده سازد.

مبارزه بر علیه جهانی شدن و حرکت جهانی سازمان‌های غیر حکومتی مانند ATTAC در جریان دو سال گذشته و در تظاهرات چند صد هزار نفری مخالفان این حاکمیت سرمایه بر جهان نشان داد که جنبش ضد سرمایه‌داری تا چه حد خصلت جهانی و فراگیر به خود گرفته است. به همین خاطر سرکوب اجتماعی و از هم پاشاندن پتانسیل گسترش این مبارزه رو به جهانی شدن، برای حافظان نظام سرمایه‌داری مطرح شد؛ تا اینکه معجزه ۱۱ سپتامبر فرا رسید و قتل عام آزادیهای ابتدایی شهروندان نیز آغاز شد.

## جهانی شدن سرکوب

در صحنه جهانی اما این جریان نو آزادی‌کشی هر چند در شکل متفاوت است لیکن در محتوا همچنان هدف از میان بردن هرگونه مقاومت در مقابل درمان جهانی بیماریهای درونی سرمایه‌داری می‌باشد. بدین گونه که چون قرارست آمریکا آمریکا بماند، چون قرارست اروپا به ایالات متحده اروپا تبدیل شود، چون قرارست کانادا، ژاپن و استرالیا سطح زندگی خود را از دست ندهند و چون اسرائیل در صدد است تا رویای تبدیل خود به ابرقدرت نوین جهانی را به تحقق رساند، باید که بیش از پنج میلیارد انسان در کشورهای دیگر فقر و استثمار و غارت و بی‌هویتی و رنج و مرگ و بیماری را بجان بخرند و در غیر این صورت بعنوان خطر تروریسم بین‌الملل و محور شرارت معرفی خواهند شد. هر چند که در ظاهر چند رژیم غیر مردمی مانند طالبان و جمهوری اسلامی و صدام نیز مورد انتقاد و چه بسا حمله قرار گیرند اما در واقع امر، هدف اصلی حکومتها نیستند، جنبشها هستند. همه جنبش‌های مبارزی که به شکل قهرآمیز یا حتی غیر قهرآمیز خواهان ایجاد تغییرات اساسی در مناسبات اقتصادی اجتماعی و سیاسی در کشور خود هستند. بدین خاطر دیدیم آمریکا که فقط سه دولت را در جهان جزو محور شرارت نام برد تا پوششی برای لشگرکشی خود به حساس‌ترین منطقه دنیا درست کند، در مورد سازمانهای سیاسی بسیار سخاوتمندانه‌تر عمل کرد و نام دهها سازمان مبارز، انقلابی و دگرگونی طلب را جزو لیست سازمانهای تروریستی قرار داد. این لیست بیانگر سازمانهایی بود که خواستار تغییراتی اساسی در کشورهایی هستند که آمریکا با حکومتهای آنها چندان مسئله‌ای ندارد. زیرا آمریکا خوب می‌داند که قادر است هر حکومتی را با فشار و تهدید یا با پول و تطمیع به خود نزدیک کند. حتی حکومت ابرقدرت سابق، روسیه را. چین را نیز از طرق دیگری تحت فشار می‌گذارد.

مورد ایران در این میان قدری استثنایی است زیر فشار آمریکا بر جمهوری اسلامی و محور شرارت خواندن آن نه بخاطر تضاد حکومت ملامها با آمریکا بلکه به دلیل نگرانی اسرائیل از وجود برخی گرایشهای ضد اسرائیلی در ساختار نظامی و بعضا سیاسی حاکمیت است. گرایشهایی که به مرور زمان ضعیف شده اما همچنان باقیست. آمریکا در مذاکرات پشت پرده خود با رژیم پیوسته بر ضرورت حذف این گرایش از حاکمیت بعنوان یک پیش شرط برقراری رابطه با ایران تاکید داشته است.

## جهانی شدن مبارزه :

موضوع چگونگی آماده سازی ریشه‌کنی جنبش‌های اجتماعی و یا سرکوب آنها توسط آمریکا و متحدانش در سطح جهانی و توسط اسرائیل در سطح خاورمیانه نیازمند فرصت دیگری است. اما آنچه بعنوان نتیجه گیری در اینجا قابل ذکر است اینکه سرمایه‌داری جهانی - آمریکا، اروپای غربی، اسرائیل، کانادا، ژاپن و استرالیا - پس از تلاش آخر خود برای ایجاد یک پویایی دیگر از طریق اقتصاد نوین و برپایه فن آوری مدرن در قالب موج فعالیت‌های مجازی - اینترنت و ... - و عدم دستیابی به موفقیت برآن شد تا خود را برای بحرانهای فراگیری که در انتظارش است آماده کند. منظور بحرانهای اجتماعی و سیاسی است که در حال حاضر در کشورهای پیرامون و بخصوص آمریکای لاتین آغاز شده و به سمت کشورهای مرکز در حال پیشروی است. رسیدن این بحرانها با وجود تمام آزادیهای کنونی کسب شده و نهادینه شده در جوامع سرمایه‌داری بیانگر حتمی بودن تغییرات و دگرگونیهای بنیادی در منطق مسئله آفرین این نظام حاکم می‌توانست باشد. به همین دلیل ضرورت داشت که نظام سرمایه‌داری قبل از وارد شدن به فاز آغاز و برخورد با این بحرانها بتواند تا حداکثر ممکن جبهه هجوم بر سیستم حاکم را تضعیف کرده و جبهه دفاع از امنیت سیستم را افزایش دهد. ۱۱ سپتامبر آغاز این استراتژی برنامه‌ریزی شده بود تا از یکسو در داخل جوامع سرمایه‌داری کنترل سرکوبگرانه اجتماعی، تحت پوشش حفظ امنیت شهروندان، تقویت شود، و از سوی دیگر، در سطح جهانی، شرایط برای یک دور نوین غارتگری در یک جهان تک قطبی بی‌دفاع فراهم شود. غارتی که باید بتواند با روان کردن سیر ثروتها از جهان فقیر به جهان غنی در کاهش بحرانهای داخلی جوامع سرمایه‌داری نقش داشته باشد. به همین خاطر سرکوب و انهدام جنبش‌هایی که می‌تواند در صورت موفقیت یا گسترش، نقش مشکل آفرین در این غارت داشته باشد در سراسر جهان در دستور کار لشگرهای نظامی آمریکا و متحدانش قرار گرفته است.

من استراتژی نوین سرمایه‌داری جهانی را در این چهارچوب ارزیابی می‌کنم و بر این باورم که مقابله با آن باید هرچه سریعتر و به گونه‌ای سازماندهی شده آغاز شود. باید یک مقاومت سراسری با این استراتژی در سراسر جهان سازمان داد. اینجاست که ضرورت دارد مبارزین و فعالان ایرانی ضمن توجه ویژه بر ضرورت پیش بردن مبارزه سرنگون ساز در کشورمان به همکاری و آگاه سازی جریانهای سیاسی مبارز در کشورهای دیگر پردازند تا بتوان به جهانی شدن مبارزه بر علیه آزادی کشی کنونی یاری رساند. تاخیر در سازماندهی این مقاومت می‌تواند غیر قابل جبران باشد.

× ×